

## خرید و فروش

**مسأله 1 -** بر هر کاسب مسلمانی لازم است احکام معاملات را به مقداری که معمولاً مورد احتیاج او است یاد بگیرد.

**مسأله 2 -** کسب و کار و تلاش برای زندگی از طریق تجارت و زراعت و صنعت و دیگر مشاغل مجاز برای کسانی که مخارج خانواده خود را ندارند واجب است، و در غیر این صورت، مستحب مؤکد است.

## معاملات حرام و باطل

**مسأله 3 -** در موارد ذیل، معامله حرام و باطل است:

**1- خرید و فروش عین نجاسات یعنی چیزهایی که ذاتاً نجس است، مگر در مواردی که فائده ای عقلایی و مشروع بر آن مترتب باشد، مانند خرید و فروش خون در عصر و زمان ما که برای نجات مجروحین و بیماران مورد استفاده قرار می گیرد و شرعاً جایز است و همچنین خرید و فروش سگ شکاری و سگ نگهبان. 2- خرید و فروش اموال غصبی و اشیاء مسروقه. 3- خرید و فروش آلات قمار. 4 - خرید و فروش چیزهایی که در بین مردم مال محسوب نمی شود مانند بسیاری از حشرات؛ مگر در مواردی که فائده عقلایی داشته باشد، مثل خرید و فروش آنها برای امر تحقیقات علمی و آزمایشگاهی. 5- معاملاتی که در آن ریا باشد. 6- غش در معامله مانند فروختن اجناس تقلبی که خریدار از وضع آن خبر ندارد، مثل فروختن شیر مخلوط با آب یا روغنی که آن را با پیه یا چیز دیگری مخلوط کرده اند. 7- خرید و فروش اعضای بدن مانند کلیه و امثال آن؛ مگر در مواردی که نجات جان انسانی متوقف بر آن باشد و شخصی با رضایت کامل و بدون اجبار و اکراه عضوی را اهداء کند و بر اثر آن، خسارت جانی متوجه او نشود. 8- خرید و فروش اراضی موات بدون احیاء آن. 9- خرید و فروش تمام انواع مسکرات. 10- خرید و فروش کتب ضلال، مگر برای ابطال و پاسخ دادن به شبهات آن. 11- معامله ای که در آن رشوه باشد. 12- معامله ای که در آن کم فروشی باشد.**

**مسأله 4 -** موادّ غذایی و دارویی وارداتی و امثال آن، که از کشورهای غیر اسلامی می آورند اگر نجس بودن آنها قطعی نباشد معامله آنها اشکالی ندارد، مثل این که احتمال دهیم شیر و پنیر و روغن را به وسیله دستگاه می گیرند.

**مسئله 5 -** خرید و فروش گوشت و پیه که از ممالک غیر اسلامی می آورند یا از دست کافر گرفته می شود باطل است، ولی اگر بدانیم که آنها از حیوان حلال گوشتی است که مطابق دستور شرع ذبح شده اشکال ندارد.

**مسئله 6 -** خرید و فروش چیزهایی که از قمار یا معاملات باطل به دست آمده، حرام و باطل است و تصرف در آنها جایز نیست و اگر کسی آن را بخرد باید به صاحب اصلی اش بازگرداند و اگر صاحب اصلی اش را نمی شناسد به دستور حاکم شرع عمل کند.

## ربا

**مسئله 7 -** رباخواری حرام است و آن بر دوگونه است: نخست ربای در قرض ، دوم ربای در معامله. ربای در قرض این است که پول یا جنسی را به شخصی قرض بدهد مشروط به اینکه بیشتر از آن مقدار را از او پس بگیرد. ربای در معامله آن است که مقداری از جنسی را که در آن منطقه با وزن یا پیمانه می فروشند به زیادتر از همان جنس بفروشند، مثلاً ده کیلو گرم گندم را به یازده کیلو گرم از همان جنس یعنی گندم بفروشند.

**مسئله 8 -** هرگاه شخصی که مقدار کمتر را می دهد جنس دیگری به آن اضافه کند مثلاً ده کیلو گرم گندم به اضافه یک متر پارچه را به یازده کیلو گرم گندم بفروشد اشکال ندارد.

**مسئله 9 -** جنس هایی را که در منطقه ای با وزن و پیمانه نمی فروشند بلکه با عدد و متر می فروشند، اگر تعداد کمتر را در آن منطقه به تعداد بیشتر بفروشند اشکال ندارد.

**مسئله 10 -** خرید و فروش کالاهایی که از یک جنس نیستند به هر صورت که باشد مانعی ندارد، مثل این که ده کیلو برنج را به بیست کیلو گندم بفروشند.

**مسئله 11 -** جو و گندم در بحث ربا یک جنس حساب می شوند، بنابراین نمی توان ده کیلو گندم را با دوازده کیلو جو یا بالعکس معامله کرد.

**مسئله 12 -** در چند مورد گرفتن ربا جایز است:

**1-** ربا گرفتن مسلمان از کفّاری که در پناه اسلام نیستند.

**2-** ربا گرفتن پدر و فرزند از یکدیگر.

3- ربا گرفتن زن و شوهر از یکدیگر.

## شرایط خریدار و فروشنده

**مسئله 13** - شرایط خریدار و فروشنده عبارتند از :

1- بالغ بودن.

2- عاقل بودن .

3- ممنوع التصرف در اموال نبودن.

4- قصد جدی برای معامله داشتن.

5- عدم اجبار در خرید یا فروش.

6- کالایی را که خرید و فروش می کنند ملك آنها باشد یا از طرف مالك وکیل باشند، یا ولیّ صغیر باشند.

**مسئله 14** - هرگاه مال کسی را بدون اجازه او بفروشند اگر بعداً راضی شود و اجازه دهد معامله صحیح است.

## شرایط جنس و عوض آن

**مسئله 15** - جنسی را که می فروشند و چیزی را که عوض آن می گیرند چند شرط دارد: 1- باید مقدار آن معلوم باشد، به وسیله وزن، یا حجم، یا شماره و عدد. 2- توانایی بر تحویل آن را داشته باشند، بنابراین فروختن حیوانی که فرار کرده و دسترسی به آن وجود ندارد، صحیح نیست. 3- شخص دیگری در جنس یا عوض آن حقی نداشته باشد، بنابر این مالی را که نزد کسی گرو گذاشته اند بدون اجازه او نمی توان فروخت.

## صیغه معامله

**مسئله 16** - طرفین معامله به هر زبانی آشنا باشند می توانند صیغه بخوانند، بنابراین اگر فروشنده به فارسی بگوید: «این جنس را به فلان قیمت فروختم» و مشتری بگوید: «قبول کردم»

معامله صحیح است، همچنین با عبارات دیگری که این معنی را به روشنی بیان کند و اگر صیغه نخوانند اما فروشنده جنس را به قصد فروختن به دیگری دهد و او هم به قصد خریدن بگردد کافی است (به شرط این که تمام شرایط معامله در آن جمع باشد).

**مسئله 17 -** نوشتن و امضاء اسناد در معاملات خواه در دفاتر رسمی باشد یا غیر آن، می تواند جانشین خواندن صیغه لفظی گردد.

**مسئله 18 -** هنگام خواندن صیغه معامله باید دو طرف قصد انشاء داشته باشند یعنی مقصودشان از گفتن این دو جمله خرید و فروش باشد، همچنین در جایی که داد و ستد عملی جانشین صیغه لفظی می شود باید قصد انشاء وجود داشته باشد.

### **خرید و فروش میوه ها بر درخت**

**مسئله 19 -** خرید و فروش خرمایی که زرد یا سرخ شده، یا میوه ای که گل آن ریخته و دانه آن بسته، به طوری که معمولاً از آفت گذشته باشد صحیح است و همچنین فروختن غوره بر درخت اشکال ندارد، البته مقدار آنها باید به وسیله تخمین کارشناس معلوم شود.

**مسئله 20 -** خرید و فروش خیار و بادنجان و انواع سبزیها و مانند آن که سالی چند مرتبه چیده می شود در صورتی که ظاهر و نمایان شده باشد اشکال ندارد، ولی باید معین کنند که مشتری در سال چند دفعه آن را می چیند.

### **معامله نقد و نسیه**

**مسئله 21 -** اگر جنسی را نقد بفروشند، هر کدام از خریدار و فروشنده بعد از معامله می تواند جنس یا پول خود را مطالبه کند و آن را تحویل بگیرد، تحویل دادن خانه و زمین و مانند اینها به این است که آن را طوری در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آن تصرف کند و تحویل دادن اشیاء منقول مانند فرش و لباس به این است که آن را طوری در اختیار خریدار بگذارند که اگر بخواهد به جای دیگری ببرد مانعی نباشد.

**مسئله 22 -** در معامله نسیه باید مدت کاملاً معین باشد و اگر تاریخی برای آن معین نکنند معامله باطل است.

**مسئله 23 -** هرگاه جنسی را نسیه بفروشد قبل از فرا رسیدن مدت نمی تواند عوض آن را مطالبه کند.

**مسأله 24 -** هرگاه جنسی را بطور نقد با قیمتی معامله کنند و بطور نسیه با قیمتی گرانتر، مثلاً بگویند: این جنس را نقداً به فلان مقدار می دهیم بطور نسیه ده درصد گرانتر حساب می کنم و مشتری قبول کند مانعی ندارد و ربا حساب نمی شود.

**مسأله 25 -** هرگاه کسی جنسی را نسیه بفروشد ولی بعداً مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را نقد بگیرد و خریدار هم قبول کند، اشکال ندارد.

### معامله سلف و شرایط آن

**مسأله 26 -** معامله سلف آن است که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد و همین اندازه که بگوید این پول را می دهیم که مثلاً بعد از شش ماه فلان مقدار جنس را بگیرم و فروشنده بگوید قبول کردم کافی است، حتی اگر صیغه ای نخوانند و خریدار به این قصد پول را بدهد و فروشنده بگیرد صحیح است.

**مسأله 27 -** هرگاه خود پول را سلف بفروشد و عوض آن را پول بگیرد معامله باطل است، ولی اگر جنسی را سلف بفروشد و عوض آن را پول یا جنس دیگر بگیرد صحیح است.

**مسأله 28 -** معامله سلف شش شرط دارد: **1-** خصوصیات جنس را که در قیمت تأثیر دارد باید معین کنند **2-** پیش از آن که خریدار و فروشنده از هم جدا شوند، تمام قیمت باید پرداخته شود و اگر مقداری از قیمت را بدهد معامله به همان مقدار صحیح است. **3-** باید مدت را کاملاً معین کند، مثلاً اگر بگوید اول خرمن جنس را تحویل می دهیم (و اول خرمن دقیقاً معین نباشد)، معامله باطل است. **4-** زمانی را برای تحویل جنس معین کنند که در آن وقت معمولاً جنس وجود دارد. **5-** محل تحویل جنس را تعیین کنند که در کدام شهر و کدام منطقه تحویل می دهند، مگر این که از سخنان آنها جای آن معلوم باشد. **6-** باید وزن یا پیمانه آن را تعیین کنند، اما جنسی را که معمولاً با دیدن معامله می کنند (مانند بسیاری از انواع فرش) اگر با ذکر صفات، سلف بفروشند اشکال ندارد، به شرط آنکه تفاوت افراد آن جنس بقدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.

### مواردی که می توان معامله را فسخ کرد

**مسأله 29 -** حق به هم زدن معامله را «**خيار فسخ**» می گویند و خریدار و فروشنده در بازده صورت می توانند معامله را فسخ کنند:

**1- خيار مجلس:** در صورتی که از مجلس معامله متفرق نشده باشند.

**2. خیار غبن:** در صورتی که یکی از دو طرف مغبون شده باشد.

**3. خیار شرط:** در صورتی که شرط کنند که هر دو یا یکی از آن دو تا مدت معینی حق فسخ دارد.

**4. خیار تدلیس:** در صورتی که خریدار یا فروشنده تقلب کند و مال خود را غیر از آنچه هست نشان دهد.

**5. خیار تخلف از شرط:** در صورتی که فروشنده یا خریدار شرط کند کاری را برای طرف مقابل انجام دهد، یا جنس طرز مخصوصی باشد، سپس به آن شرط عمل نکند، در این صورت طرف مقابل می تواند معامله را فسخ کند.

**6. خیار عیب:** در صورتی که یکی از دو جنس یا هر دو معیوب باشد که قبلاً از آن اطلاع نداشته باشند.

**7. خیار شرکت یا خیار تبعض صفقه:** در صورتی که معلوم شود مقداری از جنسی را که فروخته اند مال دیگری است که اگر صاحب آن راضی به معامله نشود خریدار می تواند معامله را به هم بزند، یا معامله را در مقداری که مال فروشنده بوده قبول کند و پول بقیه را پس بگیرد.

**8. خیار رؤیت:** در صورتی که فروشنده جنس معینی را که مشتری ندیده با بیان صفات بفروشد بعد معلوم شود آن طور که گفته نبوده است، در این صورت مشتری می تواند معامله را به هم بزند، همین حکم در مورد عوض نیز وجود دارد.

**9. خیار تأخیر:** در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقداً خریده تا «سه روز» ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل نداده باشد، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند (مگر اینکه مشتری شرط کرده باشد دادن پول را تا مدت معینی تأخیر بیندازد) و اگر جنسی که فروخته شده مثل بعضی از میوه ها و سبزیها باشد که اگر يك روز بر آن بگذرد ضایع می شود چنانچه تا شب پول آن را ندهد فروشنده می تواند معامله را به هم بزند.

**10. خیار حیوان:** در صورتی که حیوانی را خریده باشد خریدار می تواند تا سه روز معامله را به هم بزند.

**11. خیار تعدر تسلیم:** در صورتی که فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد مشتری می تواند معامله را فسخ کند.

## احکام خیارات

**مسأله 30 -** اگر خریدار قیمت جنس را نداند و یا غفلت کند و جنس را گرانتر از قیمت معمولی بخرد، چنانچه بقدری گران خریده باشد که مردم او را مغبون بدانند می تواند معامله را فسخ کند، این حکم در صورتی که فروشنده قیمت جنس را نداند و مغبون شود نیز جاری است.

**مسأله 31 -** هرگاه در جنس تقلّب کند و مثلاً چای اعلا را با چای پست مخلوط نماید و به اسم چای اعلا بفروشد مشتری می تواند معامله را به هم بزند.

**مسأله 32 -** هرگاه خریدار بفهمد جنسی را که گرفته معیوب است، مثلاً پارچه یا فرشی را که خریده پوسیدگی یا پارگی دارد، چنانچه آن عیب پیش از معامله در مال بوده و او نمی دانسته، می تواند معامله را فسخ کند، یا تفاوت قیمت سالم و معیوب را معین کند و به همان نسبت از پولی که به فروشنده داده پس بگیرد. همین حکم در صورتی که عیبی در عوض باشد نیز جاری است.

**مسأله 33 -** اگر بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن جنس، عیبی در آن پیدا شود، مشتری می تواند معامله را فسخ کند، همچنین اگر در عوض آن جنس بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن عیبی پیدا شود فروشنده می تواند معامله را به هم زند.

**مسأله 34 -** در موارد ذیل، با وجود عیب نمی تواند معامله را فسخ کند یا تفاوت قیمت را بگیرد: **1** - در صورتی که موقع خریدن، عیب مال را بداند. **2** - در صورتی که بعداً راضی شود. **3** - فروشنده موقع معامله بگوید این مال را با هر عیبی که دارد می فروشم، ولی اگر عیب معینی را ذکر کند و بگوید با این عیب می فروشم بعد معلوم شود عیب دیگری دارد خریدار می تواند معامله را فسخ کند. **4** - خریدار در موقع معامله بگوید اگر مال عیبی داشته باشد فسخ نمی کنم و تفاوت قیمت هم نمی گیرم.

**مسأله 35 -** در موارد ذیل، اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد نمی تواند معامله را به هم بزند ولی می تواند تفاوت قیمت را بگیرد: **1** - در صورتی که بعد از معامله تغییری در جنس بدهد بطوری که مردم بگویند جنس خریداری شده به صورت خود باقی نمانده است. **2** - در صورتی که بعد از معامله بفهمد مال عیب دارد ولی حق فسخ را ساقط کرده باشد. **3** - بعد از تحویل گرفتن مال عیب جدید دیگری در آن پیدا شود، ولی اگر حیوان معیوبی را بخرد و قبل از گذشتن سه روز عیب دیگری پیدا کند باز هم می تواند آن را پس دهد، همچنین اگر فقط برای خریدار تا مدتی حق فسخ قرار داده شده باشد و در آن مدت مال عیب دیگری پیدا کند در این صورت نیز می تواند معامله را فسخ کند هر چند آن را تحویل گرفته باشد